

۱۸جامعه

کوتاه از جامعه

کرونا به کودکان نزدیک‌تر شد

فرهاد چوبدار، رئیس بیمارستان کودکان علی‌اصغر گفت: در مقایسه با موج‌های قبلی میزان ورودی اطفال مبتلا به کرونا به بیمارستان حداقل دو برابر شده است.

وی افزود: به همین علت بخش عفونی و قسمتی از سایر بخش‌ها را به بستری بیماران مبتلا به کرونا اختصاص داده‌ایم. چوبدار ادامه داد: تلاش می‌کنیم برخی بیماران را به شکل سرپایی درمان کنیم تا کمتر نیازمند تخت باشند. وی عنوان کرد: در این شرایط حتی نوزادان هم گرفتار کرونا می‌شوند و همیشه چند نوزاد به دلیل کرونا بستری هستند. از طرفی ۲۰ درصد بخش ICU به وسیله اطفال مبتلا به کرونا پر می‌شود. /ایسنا

تهران کماکان در وضعیت قرمز

علیرضا زالی، فرمانده ستاد عملیات مقابله با بیماری کرونا در کلانشهر تهران گفت: عدد مولد پایه که نشان‌دهنده وضعیت کنترل بیماری است هم اکنون در تهران بالای یک است. هر زمان این عدد به یک یا زیر آن برسد می‌توان کاهش شاخص‌ها را پیش‌بینی کنیم بنابراین برای هفته آتی نیز کماکان تهران در وضعیت قرمز است.

زالی همچنین از تزریق ۱۰۱ هزار دوز واکسن در پنجشنبه گذشته در تهران خبر داد و عنوان کرد: تاکنون دو میلیون و ۷۰۰ هزار نفر در تهران واکسینه شده‌اند که ۶۷۰ هزار نفر آنان هر دو دوز را دریافت کرده‌اند.

وی ادامه داد: براساس آخرین آمار میزان رعایت پروتکل‌های بهداشتی در تهران ۵۲ درصد است که باید با همراهی و همکاری بیشتر مردم، افتناع افکار عمومی، ارتقای آموزش‌های همگانی افزایش یابد تا موفق به کنترل و مهار بیماری شویم. /ایرنا

چند دوز واکسن وارد شده است؟

بر اساس اعلام گمرک، از ۱۵ بهمن ۹۹ تا ۲۱ مرداد سال جاری، ۳۵ محموله واکسن کرونا شامل ۲۲ میلیون و ۶۲۴ هزار و ۶۱۰ دوز واکسن از کشورهای چین، ژاپن، ایتالیا، روسیه، کره جنوبی و هند وارد کشور شده است.

واکسن چینی با ۱۶ میلیون و ۱۰۰ هزار دوز، در صدر واکسن‌های وارد شده به کشور قرار دارد.



اگرچه قرار بود از طریق ساز و کار کوواکس، بیش از ۱۶ میلیون دوز واکسن کرونا وارد کشور شود اما مجموع واکسن‌های وارد شده از این مسیر، به حدود دو میلیون و ۱۰۰ هزار دوز واکسن کرونا رسیده است. افزون بر این قرارداد خرید ۶۰ میلیون دوز واکسن اسپوتنیک V با کشور روسیه منعقد شده بود اما بر اساس آمار گمرک جمهوری اسلامی ایران، تاکنون فقط کمی بیش از یک میلیون دوز از این واکسن کرونا وارد کشور شده است. /تسنیم

ارسال ۱۰هزارکیت تشخیص کرونا به مناطق کم برخوردار

سعید سلیمانی، مدیر عامل بنیاد احسان ستاد اجرایی فرمان امام (ره) از ارسال ۱۰ هزار بسته کیت تشخیص سریع کرونا و ۲۰۰ هزار بسته معیشتی و بهداشتی به مناطق کم برخوردار در استان های بوشهر و هرمزگان خبر داد و گفت: در حال حاضر در هفت نقطه بیمارستان سیار احسان مستقر شده و خدمات بستری و رمدسیویرتراپی ارائه می‌دهد که بیمارستان‌های زاهدان، هرمزگان و حاشیه تهران از جمله این نقاط است. سلیمانی ادامه داد: در یک‌های قبلی در ۳۰۰ نقطه کشور با تجهیز گروه‌های جهادی همکار مراکز غربالگری و تشخیص سریع کرونا راه‌اندازی شد. /ایرنا



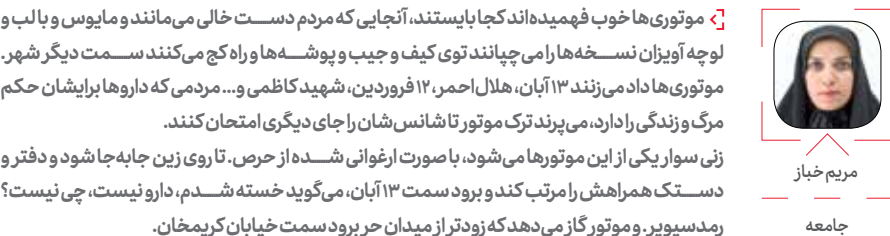
خزر، آب می‌رود

بهزاد لایقی، مدیر کل مرکز علوم جوی و اقیانوسی سازمان هواشناسی کشور ضمن اشاره به روند کاهش تراز آب دریای خزر طی ۲۶ سال گذشته، گفت: اکنون تراز دریای خزر تنها یک متر با کمترین تراز ثبت شده در ۵۰ سال گذشته فاصله دارد و پیش‌بینی بلندمدت بر اساس سناریوهای تغییر اقلیم کاهش ۴ تا ۶ متری تراز آب این دریاچه

گزارش میدانی جام جم از ۴ داروخانه فوق تخصصی تهران

که مردم برای یافتن دارو میان آنها سرگردانند

صف‌بی‌پایان دارو



مریم خباز

جامعه

دارو نیست شده است ترجیع‌بند حرف‌های مردم، فرقی ندارد حرف دل‌شان را جلوی در کدام داروخانه بگویند و سفره ناامیدی‌هایشان را در کدام خیابان و پیاده‌رو بریزند روی دایره. دارو نیست. از هر نسخه شش هفت دارویی حداقل یکی دو دارو نیست، آن‌هم داروهایی که مستقیم به زندگی، به بودن، به نفس کشیدن و نمردن مربوط است. داروهایی که نبودن‌شان یک سطل آب یخ می‌ریزد روی سر آدم‌هایی که حاضرند از زیر سنگ پول جور کنند و پای دوا بدهند و چند روزی هم که شده نفس راحت بکشند تا نسخه بعدی.

در چنین شرایطی رئیس‌جمهور نیز پنجشنبه گذشته به داروخانه ۲۹ فروردین تهران رفت و از نزدیک در جریان مشکلات شهروندان قرار گرفت. او در این بازدید گفت که برای مهار کرونا همه‌توان دولت را به‌کار خواهد گرفت.

مریض مُرد، دیگه دارو نمی‌خوام

صف مرجان‌زیر سر در هلالی و وسیع داروخانه ۲۹ فروردین شبیه یک مار شده؛ دراز و کش و قوس‌دار. صف از درون داروخانه بیرون زده و به خیابان کناری رسیده. عده‌ای ساعت‌هاست که ایستاده‌اند و رمق ندارند مثل زن جوانی که صبح اول وقت آمده به میدان حرو پشت به مجسمه نبرد گرشاسب با ازدها روی صندلی آهنی کنار خیابان نشسته و گوش تیز کرده برای شنیدن صدای بلندگو که «اکتِمرا» بالاخره رسید یا نه. خاله زن کروئی اشید دارد و صبح اکسیژن خوشن زیر ۷۰ شده. از بیمارستان سریع تماس گرفته‌اند که فقط اکتِمرا برایش بیاورید که اکتِمرا هم نیست و شده است دُر نایاب. زن صبح اول وقت رفته است داروخانه هلال احمر، آنجا جواب رد شنیده و آمده است ۲۹ فروردین. اینجا هم گفته‌اند شاید برسد و شاید نه، فقط بنشین و منتظر باش. زن توی آفتاب، در حال انتظار و غمه خوردن برای خاله، غصه بی‌پولی را هم می‌خورد. همین الان که تخم اکتِمرا را در داروخانه‌های دولتی ملخ خورده است، بازار آزاد اکتِمرا دارد، هم ایرانی و هم خارجی. فقط گران است؛ خارجی ۲۰ میلیون تومان و ایرانی ۱۰ میلیون. زن اینها را می‌گوید و می‌خزد به دنیای درون خودش.

مرد جوانی روی یکی از پله‌های مرمری داروخانه رو به خیابان نشسته و ناگهان یاد را نگاه می‌کند. تا اسم خیرنگار را می‌شنود و عکاس را در حال عکاسی می‌بیند انگار که مار گزیده باشد یا دستش رازده باشد به سیم لخت برق، پریشان می‌شود و رو ترش می‌کند و از ما بیزاری می‌جوید. او عصبانی است، روزهاست که دنبال دارو گشته و نیافته،

بازدید رئیس‌جمهور از داروخانه ۲۹فروردین

پس از حضور سرزده ابراهیم رئیسی در یکی از مراکز درمانی، این بار او در بازدیدی سرزده به داروخانه ۲۹ فروردین رفت تا به‌طور مستقیم و بی‌واسطه از روند اقدامات انجام‌شده و فعالیت‌های این داروخانه، کسب‌و‌دها و مشکلات دارویی بیماران کرونایی آگاه شود. قدردانی از پرسنل این داروخانه به عنوان کارکنانی که در پیشانی خدمت‌رسانی به مردم قرار دارند بخشی از این بازدید را تشکیل داد. در این بازدید شهروندان نیز از مشکلات خود گفتند. برای نمونه مردی از این گفت که همسرش جزو کادر درمان است و به کرونا مبتلا شده و برای تامین داروها با مشکل روبه‌رو شده است. شهروند

را در ۳۰ تا ۵۰ سال آینده نشان می‌دهد. وی یکی دیگر از عوامل موثر در کاهش تراز آب دریای خزر را احداث سد بر رودخانه‌های مهم حوضه آبریز این دریاچه و مصارف آن در بخش‌های صنعتی و کشاورزی دانست و ادامه داد: بزرگ‌ترین رودخانه‌ای که وارد دریای خزر می‌شود رودخانه ولگااست که حدود ۸۵ درصد آب دریای خزر را تامین



بچه داره می‌میره

شده. او سه روز است دارد می‌گردد، از این سر شهر به آن سر شهر، آخرش هم هیچ، دست خالی. دلال دارو، دواپره دارو، دارو می‌کند، مثل ماهی از آب بیرون افتاده که آب، آب می‌کند، او آمده است درست پشت سر مردی پا به سن گذاشته که غصه دخترش را دارد. چشم‌های مرد بیقرار است و هاله خاکستری دور عنبیه‌اش با آدم از درد می‌گوید. مرد دو سه روزی است آنقدر از این داروخانه به آن داروخانه پاسکاری شده که نفس ندارد. با لحنی جگرخراش می‌گوید بچه دارد می‌میرد و من دارو پیدا نکردم. دختر این مرد مبتلا به کروناست، از نوع چنده و تهاجمی‌اش که روز به روز ریه‌ها را بیشتر درگیر می‌کند.

بلندگو اسمش را صدا می‌زند و او می‌دود که شاید رمدسیویرو سرم آماده باشد. مرد لاغری اما که خوشبختانه ۴۰ کیلو وزن دارد، می‌ماند با صورتی رنگ پریده و چشم‌هایی خسته و بی‌حال. چهره‌اش داد می‌زند به سرطان مبتلاست، آثار شیمی درمانی به قدری مشهود است که نمی‌شود ندیدشان. با دست‌های استخوانی و پاهای استخوانی‌تر، مرد چمباتمه زده روی نیمکت و آب پرتقالی را با نی می‌نوشد. او هم توی صف است، صف داروهای درمان سرطان مری که متاستاز داده است به ریه‌ها. اسم داروها را نمی‌داند، می‌گوید سواد ندارد، نسخه را هم که نشان می‌دهد به قدری بد خط است که قابل خواندن نیست. فقط می‌داند در سه چهار ماهی که شیمی درمانی می‌شود همیشه غصه دارو داشته و هیچ وقت نبوده که بی‌دغدغه به دارو برسد. ولی می‌گوید این اواخر اوضاع بدتر از قبل شده و احتمال دیدن و ترسیدن بیشتر شده.

صدای ضعیف این‌مرد که قطع می‌شود، صدای مرد جوانی به گوش می‌رسد: «کی میگه دارو نیست، هست تا دلت بخواد، همین جا خود دیدم که به عده میرن دم انبار داروخانه و پول میدن و دارو می‌گیرن، برای مردم عادی دارو نیست.»

امان از داروهای شیمی درمانی

متاستاز داده و انگار درمان هم فایده‌ای ندارد و از قضا جیب او نیز خالی شده، زن دنبال داروهای ایرانی است؛ ایرانی همین آمپول می‌شود هفت میلیون تومان. او اسم داروها را نمی‌داند، از روی نسخه هم به زحمت می‌شود بواسسیزومب را خواند. بیمار او آمپول دیفرلین هم تزریق می‌کند که مدتی است هند۱‌اش پیدا نمی‌شود و ایرانی‌اش هم نزدیک سه میلیون تومان شده. زن گیر کرده است گوشه رینگ بازار دارو، با تانی

نحیف، جیبی خالی و صبری لبریز. روی پله کوچکی که به قرینه ساخته‌اند زنی نسبتا جوان ایستاده است. تشویش توی چشم‌هایش رژه می‌رود و اضطراب، دست‌هایش را به هم گره می‌کند. بیمارش سرطان مغز دارد. این را که می‌گوید چشمش از اشک پرو سیل می‌شود به سمت پایین، هر نسخه این بیمار هفت میلیون تومان است که در ماه چون دوبار تجدید می‌شود با بستری و تزریق می‌شود ۱۵ میلیون تومان.

این خانواده دارند طلا و فرش و لوازم خانه می‌فروشند و این پول را جور می‌کنند. تازه اگر دارو باشد و این پول‌ها راحت خرج شود. زن به قدری اسیر غصه شده که هق‌هق می‌کند و حرف نیمه می‌ماند و جایش را می‌دهد به مردی میانسال که همسرش سرطان رحم دارد که همه جفره شکم و مغز استخوان را هم درگیر کرده است. مرد آمده است دنبال دیفرلین که شده است چهار میلیون تومان. او که چنین پول۱‌ی ندارد داروی مشابهی را که داروخانه برایش در کیسه‌ای پلاستیکی گذاشته بیرون می‌آورد و می‌خواند: میکرولین. چون میکرولین سخت پیدا می‌شود همین که داروی مشابه توی کیسه اوست، پرمرد خوشحال است. 📺

کابوس صف، کابوس انتظار، کابوس تابید نشدن نسخه، کابوس یافت نشدن دارو، کابوس، کابوس....

صف دارو از دو داروخانه ۱۳ آبان که همجوار هم هستند بیرون زده و جایی بین دو ساختمان به هم رسیده؛ صف دست راست برای داروهای معمولی‌تر و صف دست

چپ برای داروهای تخصصی بیماری‌های سخت. مردی در نقطه تلاقی این دو صف مثل برگی که از درخت می‌افتد نقشش زمین می‌شود. چند نفری می‌دوند و مشت۱‌ی آب به صورتش می‌پاشند و تکان تکانش می‌دهند اما مرد انگار که هیچ وقت زنده و سرپا نبوده با لب‌هایی که کم‌کم کبود می‌شود، واکنشی ندارد. کنار او مردی دارو، دارو می‌کند و مثل مته می‌رود توی اعصاب. صدایش حال خراب کن است، دارو دست او هست ولی دست مردم نیست، دست او هست ولی در داروخانه دولتی نیست.

نگاهش نمی‌کنیم، چهره کره دلال۱‌ی اصلا نگاه کردنی نیست و صدایش خدا را شکر قاطی می‌شود با صدای بوق ماشین‌های سبک و سنگینی که جلوی داروخانه

۱۳ آبان به هم گوریده و تفرافیک کرده‌اند.

سالن کوچک داروخانه سر نیش مالامال از جمعیت است. به غیر از مرد۱‌می که پی دارو آمده‌اند و پرسننی که آن طرف شیشه‌ها نسخه می‌گیرند و دارو تحویل می‌دهند، کرونا نفر سوم است. آنهایی که از این ویروس ندیدنی ترسیده‌اند، آمده‌اند لب خیابان کریمخان روی ترک و توک نیمکتی که کار گذاشته‌اند. درون یکی اهل سبزارو و دیگری از تهران نشسته‌اند روی یکی از نیمکت‌ها و گوش داده‌اند به بلندگو که صدایشان کنند.

اولی که سبزواری است از کرون روده رنج می‌برد و دومی از هیدرادنیت. اولی دنبال آمپول رمی کید آمده و دومی سراغ آمپول سینورا. قیمت داروی هر دو نفرشان هم سه میلیون تومان است با این فرق که داروی اولی معمولاً پیدا می‌شود و داروی دومی مدتی است نیست

شلوغی داروخانه شهید کاظمی را از نزدیکی‌های پارک وی و ازدحام داروخانه فوق تخصصی دیابت و بیماری‌های متابولیک را می‌شود از خیابان انقلاب دید. آدم‌هایی که برای یافتن داروهای نایاب و کمیاب سراغ این داروخانه‌ها می‌آیند به قدری زیادند که اگر کسی نداند آنها جلوی داروخانه جمع شده‌اند فکر می‌کند غوغا و الم‌شنه‌ای شده است. کرونایی‌ها هم شده‌اند مزید بر علت و این شلوغی را بیشتر کرده‌اند.

صندلی‌های جلوی داروخانه شهید کاظمی آفتابگیر است و رویشان فقط باید عرق ریخت اما مردمی که از ایستادن پا درد گرفته‌اند ترجیح می‌دهند بنشینند و در چله تابستان

آفتاب بگیرند.

بیمارانی که پیوند کلیه شده‌اند مدتی است فقط اینجا دارو می‌گیرند، مایفورتیک یا سلسپت را. چهره آنها که نسخه داروهای پیوند دارند، آرام است چون یکی دوماهی است تلاطم بازار آشفت۱‌ه این داروها از بین رفته و حالا داروها بی‌دلهره و مشقت به دست می‌آید. فقط اشکال این است داروخانه برای یک ماه دارو می‌دهد و بیماران سالی ۱۲ بار باید این راه را بیایند و بروند با این کرونا.

به جز اینها که به علت دارو در دلشان رخت نمی‌شویند، در چشم‌های دیگران اضطراب موج می‌زند. زنی پا به سن گذاشته نشسته روی لبه پله‌ای کوچک بیرون از داروخانه و خیره شده است به جایی که شاید باغچه باشد. کنارش که می‌نشینم به خودش می‌آید و می‌رسیم سر قصه نبودن دارو. بیمار او سرطان پروستات دارد که دوانده است به سمت کبد. در یک سالی که آنها با سرطان جنگیده‌اند و تا امروز شکست هم خورده‌اند، او هر آمپول خارجی را ۳۰ میلیون تومان خریده، ولی حالا که سرطان